

تعلیم و تربیت اسلامی در اندیشه شهید مطهری

اشاره

می‌داند اما معتقد است که با توجه به نوع نگاه به انسان، «تربیت» متفاوت خواهد بود. اگر نگاه ما به انسان، مادی باشد، تربیت پرداختن به یک پدیده صنعتی است و تمام عناصر و عوامل آن متوجه ساختن ابعاد جسمی او خواهد بود، اما اگر نگاه ما به انسان، فراتر از نگاه مادی باشد بلکه به ابعاد روح و روان وی توجه داشته باشیم و آن را پایه اساسی انسانیت به شمار آوریم و انسان را خلیفه خدا در نظر بگیریم، نگاه به تربیت، بسیار متفاوت می‌شود. از این رو، نگرش به انسان در موضوع

«فصل بهار شکوفایی و رشد به ارمغان می‌آورد و آمدنش، نو شدن و به تکامل اندیشیدن را نوید می‌دهد. از دیگر مناسبت‌های فصل بهار، ایام گرامیداشت جایگاه معلم، این ناخدای تعلیم و تربیت است و این پاسداشت به مناسبت سالروز شهادت متفکر شهید استاد مرتضی مطهری است. او که با آثار ارزشمند خود چراغ پرفروغ تعلیم و تربیت حقیقی و مبتنی بر ارزش‌های اصیل اسلامی را روشن کرد و برکات فراوانی به یادگار گذاشت. امید است ما مربیان، میراث‌دار خوبی برای تلاش‌های این معلم بزرگ باشیم. در این نوشتار، گزیده‌ای از اندیشه ایشان را درباره تعلیم و تربیت مرور می‌کنیم.»

شهید مرتضی مطهری در موضوع تعلیم و تربیت «انسان» را عنصر محوری و اساسی



تعلیم و تربیت وابسته به نوع نگاه ما به انسان است. تربیت در نگاه دوم مشتمل بر پرورش جسم، روح، استعداد‌های اصیل و رفع نیازهای واقعی انسان است. بر این اساس، تربیت عبارت است از پرورش استعداد‌های درونی انسان و از آنجا که هویت و ماهیت حقیقی انسان را روح او تشکیل می‌دهد، تربیت باید در راستای شکوفا کردن استعداد‌های روحی و برطرف کننده نیازهای حقیقی انسان باشد.

هدف مکتب تربیتی اسلام، پرورش استعدادها، قابلیت‌ها، رفع نیازهای حقیقی انسان و ایجاد تعادل بین آنها برای دستیابی انسان به تکامل است. بنابراین، کاری که در این مکتب می‌تواند انجام گیرد، بر دو پایه استوار است؛ کوشش در راه شناخت استعداد‌های انسان و پرورش دادن آنها و همچنین برقراری یک نظام تربیتی میان استعداد‌های انسانی و نیازهای حقیقی وی که به واسطه وجود این نظام، هیچ افراط و تفریطی بر انسان حکم فرما نباشد و هر نیرو و استعدادی بهره خود را ببرد و به بقیه تجاوز نکند.

از این دیدگاه، استعداد‌های انسان دو نوع‌اند: استعداد‌های مشترک بین انسان و سایر جانداران، که همان امور جسمانی هستند، و استعداد‌های اختصاصی انسان مانند تفکر، تعلم، استعداد‌های اخلاقی، دینی یا فطری. مکتب تربیتی جامع، مکتبی است که به انواع استعداد‌های خدادادی توجه کند و در مسیر شکوفایی آنها گام بردارد. بر این مبنا، مکتب تربیتی اسلام به هر دو بعد توجه کرده و «جسم» و «روح» و نیازهای هر کدام را در کنار هم دیده اما در عین حال، بر آن است که روح انسان، بعد اصیل او را تشکیل می‌دهد و جسم همچون ابزاری برای تعالی روح است.

شهید مطهری معتقد است که اهمیت شکوفایی استعداد‌های روحی انسان، بیش از استعداد‌های جسمی اوست و بر این اساس، وی استعداد‌های اصیل و نیازهای واقعی انسان را بررسی کرده است. آنچه در ادامه می‌آید، نمونه‌هایی از اندیشه ایشان در نظام تعلیم و تربیت اسلامی است.

الف. استعدادها

۱. استعداد عقلی

در تعلیم و تربیت اسلامی به مسئله رشد

فکری و تعقل، اهمیت فراوانی داده شده است. اسلام طرفدار عقل است و به شدت بر این استعداد انسان، تکیه دارد؛ تا جایی که قرآن درباره عقل کلمه «لب» را بسیار به کار برده است. از این منظر، می‌توان انسان را به یک گردو یا بادام تشبیه کرد که تمام گردو یا بادام، پوسته است و اساس آن، مغز می‌باشد که در درون آن قرار دارد. انسانی که عقل نداشته باشد، جوهر و مغز انسانیت را ندارد و تهی است؛ یعنی از نظر ظاهر، انسان است و معنی حقیقی انسان در او نیست. از این دیدگاه، معنی حقیقی انسان، همان عقل اوست.

در مکتب تربیتی اسلام، عقل مانند چراغی است که راه سعادت انسان را روشن می‌کند اما فایده و اهمیت آن موقعی بیشتر آشکار می‌شود که پیشوایان دین از دوران کودکی به عنوان اساسی‌ترین زمان شکوفایی قوه تعقل یاد می‌کنند.

۲. استعداد یا اراده اخلاقی

یکی از استعداد‌های خدادادی که در کودک باید پرورش پیدا کند، اراده است. اراده موهبتی الهی و قوه و نیرویی وابسته به عقل انسان است. کودک با اراده به مرور خود را از تأثیر نیروهای بیرونی، خارج و مستقل می‌کند. هرچه اراده وی قوی‌تر شود، در بزرگسالی در سرنوشت خود مؤثر خواهد بود.

ب. نیازهای واقعی

نیازهای انسان را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: بعضی از آنها قابل احساس‌اند؛ یعنی می‌توان آنها را درک کرد. در مقابل، برخی از نیازها را نمی‌توان احساس نمود؛ مگر اینکه یک مربی آنها را به آدمی یادآوری کند.

سلامت انسان با درک هر دو دسته نیاز و رفع آنها به‌طور معقول و منطقی ارتباط پیدا می‌کند؛ برای مثال، وقتی تشنه‌ایم، می‌فهمیم که به آب نیاز داریم ولی اگر بدن ما به نوع خاصی از ویتامین نیاز داشته باشد، متوجه نمی‌شویم بلکه پزشک باید به ما یادآوری کند. در مسائل روحی، عاطفی و اعتقادی هم این ویژگی وجود دارد. نیازهای مادی را آسان‌تر از نیازهای غیرمادی می‌توان تشخیص داد.

۱. قانون نیاز

در تعلیم و تربیت، وظیفه داریم نیازهای اصیل ولی غیرقابل احساس متری را به او بفهمانیم و برای برطرف کردن آنها تلاش کنیم. اگر تربیت صرفاً بر محور نیازهای محسوس و مادی قرار گیرد، آدمی از مرحله حیوانی خود فاصله زیادی نخواهد گرفت. شرط رسیدن به انسانیت، رفع نیازهای ریشه‌دار غیرمادی است.

شهید مطهری در توضیح قانون نیاز می‌فرماید: «در قانون احتیاج به سه چیز است: اول باید نیاز به چیزی باشد؛ دوم اینکه چیز دیگری این نیاز را برطرف نکند. سوم اینکه احساس

امکان
تربیت،
در
دوره‌های
نوجوانی
و جوانی
نسبت به
دوره کودکی
کاهش پیدا
می‌کند



روح انسان در زمان کودکی از حساسیت و قابلیت انعطافی بسیار بالایی برخوردار است و هرچه انسان بزرگ‌تر شود، قابلیت انعطاف آن کمتر می‌شود. اینکه گفته‌اند: «العلم فی الصغر کالنقش فی الحجر»، البته دانشمندان امروز هم به تربیت دوران کودکی بیشتر اهمیت می‌دهند. بچه‌ای که در کودکستان است، از بچه دبستانی و کودک دبستانی از نوجوان دبیرستان و نوجوان دبیرستان از جوان دانشگاهی پذیرش و انعطاف‌پذیری بیشتری دارد. انسان در پنجاه سالگی شخصیتش منعقد می‌شود. البته مبالغه نباید کرد؛ انسان موجودی قابل تغییر و قابل بازگشت است و ممکن است در صد سالگی هم خود را تغییر دهد ولی شک نیست که حالات روحی کم‌کم ملکه می‌شود و برگرداندن آن‌ها دشوار می‌گردد».

از دیدگاه شهید مطهری در فرایند تربیت انسان می‌توان موارد زیر را استنباط کرد:

- * تربیت دوران کودکی پایه و اساس است.
- * امکان تربیت، در دوره‌های نوجوانی و جوانی نسبت به دوره کودکی کاهش پیدا می‌کند.
- * اگر صفتی در وجود انسان ملکه شد، زدودن آن در بزرگسالی بسیار مشکل خواهد بود.

منابع

۱. قرآن کریم؛ ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه؛ ترجمه محمد دشتی.
۳. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). تعلیم و تربیت در اسلام. انتشارات صدرا.

این نیاز پیدا بشود».

وی معتقد است که دنیای امروز همان‌گونه به پیغمبر اکرم (ص) محتاج است که در ۱۴۰۰ سال پیش بوده است و می‌گوید: «من تاکنون در دو کتاب این جمله معروف برنارد شاو را خوانده‌ام. چه عالی گفته است، که کسی مثل من حق دارد برای کشور و جامعه خودش پیش‌بینی کند؛ من پیش‌بینی می‌کنم که اروپای فردا به دین محمد (ص) گرایش پیدا خواهد کرد. بعد، موضوع کلیسا را عنوان می‌کند. وی می‌گوید: کلیسا در گذشته خیانت کرد، چهره پیامبر اسلام، این مرد بزرگ، را مشوش کرده و مردم اروپا را به غفلت و کج‌فهمی از اسلام حقیقی کشانده است. همچنین می‌گوید: «تنها اگر مردی مانند او صاحب عالم بشود و بر عالم حکومت کند قادر بر حل مشکلات عالم است. غیر او کسی قادر به حل مشکلات عالم نیست».

از این نگرش می‌توان به اصل کشف و توجه نیازهای حقیقی را برای تعلیم تربیت استنتاج کرد و اگر باید به بشر فهماند که سعادت انسان در پرتو برنامه جامع زندگی یا همان دین و طریق اولی و منطقی دین اسلام است، این آشنایی و شناخت باید از بنیادی‌ترین مرحله تعلیم و تربیت، یعنی سنین کودکی، مورد توجه جدی قرار گیرد.

۲. نیازهای فطری

فطرت الهی انسان در تربیت اسلامی ارزشمندترین چیز در عالم هستی است؛ به گونه‌ای که نباید چیز دیگری را بر آن ترجیح داد. اگر گفتار یا کرداری خلاف قوانین فطرت باشد، باید به صراحت نسبت به اصلاح آن اقدام شود. دوران کودکی زمانی است که فطرت دست‌نخورده و الهی است، از این‌رو، اساسی‌ترین زمان تربیت و شکل‌دهی است و زمینه را برای مراحل بعدی رشد فراهم می‌کند. به عقیده شهید مطهری، فطرت به درختی شباهت دارد که باید از همان ابتدای رویش از آن مراقبت شود و در هر مرحله‌ای آبیاری لازم به عمل آید تا به تدریج به درختی تنومند و با طراوت تبدیل شود. رفتارهای انسانی و الهی را می‌توان میوه‌های این درخت محسوب کرد. با توجه به این فرایند بسیار مهم، دانشمندان تعلیم و تربیت بر تثبیت و تحکیم صفات نیک اخلاقی از دوران کودکی تأکید فراوان داشته‌اند.

شهید مطهری ضمن اشاره به نظر علمای تربیت قدیم، درباره تحکیم فضائل اخلاقی در آدمی می‌فرماید: «روحیه انسان در ابتدا حکم ماده شل و قابل انعطاف مثل گچ را دارد که ابتدا که آن را در آب می‌ریزند، شل است و بعد سفت می‌شود. وقتی این ماده شل است، آن را در هر قالبی بریزیم به همان شکل درمی‌آید. می‌توان آن را به صورت انسان یا به صورت و خوی حیوانی درآورد و در نهایت در هر قالبی که بریزیم همان شکل را می‌گیرد».